

نگاه

جامعه کارگری و فقر تحمیلی

زهره‌قلیچی

در میان اخبار هفته گذشته جامعه کارگری، باز هم موضوع معیشت صدر این اخبار بود. مسئله این است که جامعه کارگری به این دلیل که حقوق بگیر است و تصمیماتی که قرار است برای حال و آینده خانوار بگیرد به تصمیمات حاکمیت، کارفرما و حتی کنش و واکنش بازار بستگی دارد، گوش‌هایش را به هر خیر اقتصادی تیز می‌کند تا ببیند قرار است در آینده‌ای که برای او تدارک دیده‌اند، چه چیزی رقم بخورد. در میان نظراتی که از سوی انجمن‌ها یا شخصیت‌های صنفی جامعه کارگری هم رسانه‌ای می‌شود، نگرانی‌های حاصل از شرایط اقتصادی دارد موج می‌زند. به‌ویژه اینکه حالا فصلی است که دیر یا زود مسئولان باید کف حقوق سال آینده را مشخص کنند.

در طول این هفته نقل قولی از وزیر اقتصاد در فضای مجازی و رسانه‌ای منتشر شد که برخی از نگرانی‌ها را دامن زد. آقای وزیر همان‌طورکه روز چهارشنبه اعلام کرد قیمت دلار به سن ربطی ندارد، درباره وضعیت معیشت کارمندان هم گفته بود کاری از دستش برنمی‌آید. یک فعال کارگری هم در واکنش به صحبت‌های وزیر اقتصاد گفت: اینکه وزیر اقتصاد می‌گویند کاری از دست ما برنمی‌آید، نشان‌دهنده ناکارآمدی ایشان است. اگر دولت نتواند در شرایط بحرانی اقدام مؤثری انجام دهد، پس به چه کاری می‌آید؟

این نقل قول وزیر در فضای مجازی هم بازخوردهای مختلفی داشت. داستان هم این بود که وزیر اقتصاد این هفته با ابراز آگاهی از وضعیت بد معیشتی کارکنان دولت گفته بود: «نسبت به وضعیت معیشتی کارکنان آگاهی‌ام، واقعیتی که ما در کل دولت احساس می‌کنیم این است که میزان پرداختی‌ها با هزینه‌های کارمندان دولت، تناسبی ندارد اما متأسفانه درحال حاضر، خیلی کاری از دست ما برنمی‌آید. بنا به دلایل مختلف، یک اقتصاد به اندازه مطلوب رشد نکرده است و بنابراین نمی‌توانیم سهمی بیش از این به حقوق بگیران و سایر اقشار پرداخت کنیم.» مطابق گزارش‌ها و آنچه در لایحه بودجه آمده است، دولت حقوق کارمندان خود را امسال ۲۰ درصد اضافه کرده و بیم آن می‌رود که در نشست مزدی شورای عالی کار نیز با همین استدلال وزیر اقتصاد که «کاری از دست ما برنمی‌آید»، حقوق کارگران مانند سال‌های گذشته سرکوب شود.

حقوق کارمند و کارگر متفاوت است

ناصر چمنی، فعال کارگری، از جمله افرادی از این جامعه بود که درباره اظهارات وزیر اقتصاد رسماً با رسانه‌ها گفت‌وگو کرد و نگرانی‌های خود را با آنها در میان گذاشت. او گفت: نه‌تنها این دولت، بلکه دولت‌های قبلی نیز نشان دادند که وضعیت معیشتی جامعه حقوق بگیران، چه کارمندان و چه کارگران، برایشان اهمیتی چندانی ندارد.

او بیان کرد: در ابتدا در رابطه با مقایسه حقوق کارمندان و کارگران باید بگویم که اگرچه کارمندان هم مشکلات معیشتی بسیاری دارند و حقوق آنها کفاف هزینه‌های زندگی را نمی‌دهد، اما به هر حال کارمندان دولتی به دلیل شرایط خاص خود، امتیازات ویژه‌ای مانند خدمات درمانی و رفاهی دارند. بنابراین ۲۰ درصد افزایش حقوق برای آنها با ۲۰ درصد افزایش حقوق برای کارگری تفاوت بسیاری دارد.

چمنی گفت: کارگران با چالش‌های متعددی مواجه هستند. هزینه‌های زندگی، به‌ویژه در حوزه خوراک و مسکن، به‌شدت افزایش یافته و این معضلات بر زندگی روزمره کارگران تأثیر گذاشته است. درحالی‌که دولت برای کسری بودجه خود تلاش می‌کند کارگران را تحت فشار بیشتری قرار دهد.

او در واکنش به صحبت‌های وزیر اقتصاد گفت: اینکه وزیر اقتصاد می‌گویند کاری از دست ما برنمی‌آید، نشان‌دهنده ناکارآمدی ایشان است. اگر دولت نتواند در شرایط بحرانی اقدام مؤثری انجام دهد، پس به چه کاری می‌آید؟ ما نیاز به افرادی داریم که در پست‌های حساس دولتی قادر به مدیریت بحران‌ها باشند. وقتی مسئولین از عدم توانایی خود صحبت می‌کنند، نشان‌دهنده این است که به انتهای خط رسیده‌اند.

این فعال کارگری گفت: کارگران در وضعیت بد معیشتی قرار دارند و نمی‌توان با گفتن این‌دست جملات که چاره‌ای نداریم و… امسال نیز مانند سال‌های قبل دستمزد را سرکوب کنیم، با توجه به اینکه بیش از ۵۰ درصد جامعه ایرانی کارگری هستند، باید توجه بیشتری به وضعیت معیشتی این قشر داشته باشیم. اگر نخواهیم به نیازهای روزمره این قشر توجه کنیم، نمی‌توانیم انتظار داشته باشیم که اقتصاد کشور رشد کند. ما باید به این نکته توجه کنیم که کارگران، به‌ویژه در شرایط کنونی، نیازمند حمایت بیشتری هستند تا بتوانند محتاج خود را تأمین کنند و در نهایت به رونق اقتصادی کشور کمک کنند.

چمنی گفت: نمی‌توان ۵۰ درصد جامعه را از یک اقتصاد پویا محروم کرد و به رشد هشت‌درصدی دست یافت. دستمزد یکی از مباحث مهم و استراتژیک اقتصادی در کشور ماست و متأسفانه برخی اقتصاددانان فکر می‌کنند با محدودکردن دستمزد می‌توانند به بهبود وضعیت اقتصادی کمک کنند. این درحالی است که این اقدام در واقع به پویایی اقتصاد لطمه می‌زند.

او افزود: چگونه می‌توان انتظار داشت جامعه‌ای که ۵۰ درصد آن قادر به تأمین محتاج اولیه خود نیست، در رشد اقتصادی به دولت کمک کند؟ متأسفانه این اظهارنظرها، ما را نگران کرده که امسال نیز دستمزد کارگران سرکوب و قانون نادیده گرفته شود. دستمزد کارگران باید براساس ماده ۴۱ قانون کار مطابق با هزینه‌های زندگی و تورم اعلام‌شده تعیین شود و هیچ عذر دیگری هم پذیرفته نیست. این قانون تأکید می‌کند که کارگر باید توانایی تأمین نیازهای اساسی خود را داشته باشد.

این فعال کارگری بیان کرد: اجرای قانون بسیار مهم است و هرگونه فرار از قانون باعث می‌شود ۵۰ درصد جامعه هرچه بیشتر به سمت فقر سوق یابد. فقر نه‌تنها مشکلات اجتماعی و تغذیه‌ای به وجود می‌آورد، بلکه هزینه‌های بیشتری برای جامعه خواهد داشت. دولت باید به صدای جامعه کارگری گوش دهد.

چمنی به اینلا گفت: در نهایت، دولت باید به دنبال این باشد که شهروندان بتوانند به‌راحتی زندگی کنند و شب‌ها بدون نگرانی بخوابند. آمارهای اخیر نشان می‌دهد که درصد قابل توجهی از جامعه زیر خط فقر هستند و دولت باید به‌جای افزایش این آمار، به دنبال کاهش آن باشد.

به قول یکی از رسانه‌ها، «گرانی» دیگر نه چیز عجیب‌وغریب و بی‌سابقه‌ای است و نه موضوعی جدید. حداقل در یکی دو دهه اخیر، هیچ زمان تورم دورقمی دست از سر زندگی مردم برداشته و سال‌هاست که مردم سایه سنگین تورم بالای ۳۰ درصد را بر سر زندگی آب‌رفته خود احساس می‌کنند. باین‌حال، شتاب تند گرانی در موج‌های اخیر تورمی یبایی و بدون وقفه از راه می‌رسند، اگر بره‌های خاص مانند زمان اشغال ایران توسط متفقین بعد از جنگ جهانی دوم و قحط و غلای متعاقب آن را کنار بگذاریم، در تاریخ مدرن ایران تقریباً بی‌سابقه است.

مرکز پژوهش‌ها سال گذشته گزارشی داده بود که در آن سقوط ارزش پول ملی کشور را در یک قرن گذشته نشان می‌داد. این مرکز که در واقع بازوی پژوهشی قوه قانون‌گذاری کشور است، با نگاه به آمار و مینا قراردادن سال ۱۳۰۹، اعدادی را در مقایسه با سنوات گذشته منتشر کرد که مو بر اندام سیخ می‌کند؛ آماري که نشان می‌دهد باید یک جای کار لنگیده باشد که پول ملی این‌طور و بدون چتر نجات، سقوط آزاد کرده است. اینکه برای اقتصاد ایران چه اتفاقی افتاده که با سرعت داریم ارزش پول ملی را از کف می‌دهیم، هرچند ممکن است پاسخ علمی و راستش وضعیت کاسه‌ی این روزها اصلاً خوب نیست. یعنی وقتی با قبلاً مقایسه می‌کنم، کلاً ناامید می‌شوم. دلیلش را هم اگر بخواهید، به نظر من خیلی مشخص است؛ چون مردم پولی ندارند که خرج کنند و قرار باشد مثل قدیم‌تر (منظورم دو سه سال پیش است) بازار گردی کنند و از این مغازه به آن مغازه بروند و خودشان خرید کنند و کالای نو را جایگزین قبلی کنند. او درباره اوضاع درآمدی هم می‌گفت: واقعیت این است که من خودم چند وقتی است که درست‌حسابی پول درنیاورده‌ام، نه اینکه فروش نداشتم، خیر! دارم می‌گویم درست‌حسابی. چون یک زمانی با اینکه هم مغازه ندارم، اما از همین بساط می‌توانستم دو تا خانواده را راه ببرم و خرجی‌شان را بدهم و خیالم هم راحت باشد، اما الان این‌طور نیست. هر روز دلهره دارم. می‌ترسم هر روز که بساطم را پهن کنم، نکند وضع مثل دیروز باشد و فروش چندانی نداشته باشم.

این آدم‌ها گاه انصاف عجیبی دارند و هیچ چیزی نمی‌تواند باعث این شود که واقعیت را نگویند. او هم می‌گفت: باز ما خوب است کرایه مغازه نداریم (درست است که هزینه می‌دهیم و همین که اینجا هستیم، یعنی اینکه به جایش پول‌های‌مان را خرج کرده‌ایم که توانستیم در کنار خیابان بساط کنیم) اما این بندگان خدا که مغازه دارند چه؟

آنها باید مالیات بدهند، پول کارگر بدهند، پول آب بدهند، پول تلفن و هزار خرج دیگر هم دارند و در‌حال‌حاضر که وضعیت بازار نامناسب است، به نظرم آنها استرس بیشتری دارند و از آینده اقتصاد بیشتر می‌ترسند. او در توضیح این حرفش ادامه داد: این بساط را نگاه کنید. مگر چقدر جنس دارد؟ هرچه هست همین است و توی یک کیسه جاس می‌گیرد، هرچا هم تروم همین کیسه را با خودم می‌برم و تمام. اما کسی که مغازه‌دار است، اگر خرج و دخلش با هم نخوادد بعد از مدتی مجبور است که دست به اقداماتی بزند مثلاً تعطیل کند و …

نقدینگی نیست

مرتضی یکی از اهالی بازار است. او را از خیلی سال پیش می‌شناسم. وکیل بود و البته کار و بارش بد هم نبود اما چندسالی هست که دفتر و دستکش را جمع کرد و با هزار امید راهی بازار شد. دفترش آن زمان یک کوچه بالاتر از میدان ونک در طبقه دوم ساختمان باآبرو بود. دفتر را به همکارش سپرد و رستورانی باز کرد تا راحت‌تر زندگی را ادامه دهد. به گفته خودش جنی خواست خیالش از آن همه هیجانات و استرس‌های ناخوشه‌ای که بر او وارد می‌شد راحت باشد. مرتضی در کارش موفق بود و موقعیتی را رها کرد که هزاران نفر ممکن است آرزوی آن را داشته باشند. مرتضی می‌گفت: اوایل که دفتر را تحویل دادم و اینجا را باز کردم، وضع خوب بود. شش ماهی هم خاکش را خوردم اما بعد از آن روی دور افتادم و توانستم خودم را جمع‌وجور کنم. درآمد خیلی خوب بود اما ی‌ک‌سالی هست که همه چیز به هم ریخته. مثلاً یک نمونه‌اش تین روغن می‌خریدیم فلان قدر اما الان غیر از اینکه کمیاب شده، باید دو برابر قیمت قبل را بدهم. تمام مواد اولیه این‌طور شده‌اند. این تازه یک طرف کار است. طرف دیگر هم این است که بازار به هم ریخته و وضع بدتری رقم خورده است. موضوع این است که فروش ما نسبت به قبل کم نشده، بلکه سقوط کرده است. او در توضیح این موضوع می‌گفت: ببینید، پیش از این ما مشتریانی داشتیم که در هر هفته دو یا سه بار بی‌ترتا سفارش می‌دادند. حالا چون وضع اقتصاد بد شده و به عبارتی مردم فقیرتر شده‌اند، هزینه‌ها را اولویت‌بندی می‌کنند. تازه این سال محلاتی است که مردم وضع مناسبی دارند. اما از روی نوع سفارش‌هایی که می‌دهند وضع مشخص است. الان اوضاع طوری شده که همان مشتریانی با سفارش‌هایشان را قطع کرده‌اند یا تعداد سفارش غذا از سه بار در هفته به یک بار تقلیل پیدا کرده است و یا در مواردی ضمن اینکه تعداد دفعات سفارش را تقلیل داده‌اند، به‌جای بی‌ترتا، ساندویچ سفارش می‌دهند. این یعنی اینکه وقتی مشتری سابق من که مشتری مستمر هم بوده، دچار وضع اقتصادی بد شده و به تعبیر فقیرتر از گذشته شده است، وقتی بی‌ترتا را به ساندویچ تبدیل می‌کند از لیست مشتریان من خط



کارگر با چرخ دستی

گزارشی که از دل پرسه‌زنی در کوچه و خیابان برآمده است

روایت فقر، حکایت درد



حمیدرضاعظمی

همان لیخند ریز که شاید لیخند عصبی هم باشد، می‌گفت: راستش وضعیت کاسه‌ی این روزها اصلاً خوب نیست. یعنی وقتی با قبلاً مقایسه می‌کنم، کلاً ناامید می‌شوم. دلیلش را هم اگر بخواهید، به نظر من خیلی مشخص است؛ چون مردم پولی ندارند که خرج کنند و قرار باشد مثل قدیم‌تر (منظورم دو سه سال پیش است) بازار گردی کنند و از این مغازه به آن مغازه بروند و خودشان خرید کنند و کالای نو را جایگزین قبلی کنند. او درباره اوضاع درآمدی هم می‌گفت: واقعیت این است که من خودم چند وقتی است که درست‌حسابی پول درنیاورده‌ام، نه اینکه فروش نداشتم، خیر! دارم می‌گویم درست‌حسابی. چون یک زمانی با اینکه هم مغازه ندارم، اما از همین بساط می‌توانستم دو تا خانواده را راه ببرم و خرجی‌شان را بدهم و خیالم هم راحت باشد، اما الان این‌طور نیست. هر روز دلهره دارم. می‌ترسم هر روز که بساطم را پهن کنم، نکند وضع مثل دیروز باشد و فروش چندانی نداشته باشم.

این آدم‌ها گاه انصاف عجیبی دارند و هیچ چیزی نمی‌تواند باعث این شود که واقعیت را نگویند. او هم می‌گفت: باز ما خوب است کرایه مغازه نداریم (درست است که هزینه می‌دهیم و همین که اینجا هستیم، یعنی اینکه به جایش پول‌های‌مان را خرج کرده‌ایم که توانستیم در کنار خیابان بساط کنیم) اما این بندگان خدا که مغازه دارند چه؟

آنها باید مالیات بدهند، پول کارگر بدهند، پول آب بدهند، پول تلفن و هزار خرج دیگر هم دارند و در‌حال‌حاضر که وضعیت بازار نامناسب است، به نظرم آنها استرس بیشتری دارند و از آینده اقتصاد بیشتر می‌ترسند. او در توضیح این حرفش ادامه داد: این بساط را نگاه کنید. مگر چقدر جنس دارد؟ هرچه هست همین است و توی یک کیسه جاس می‌گیرد، هرچا هم تروم همین کیسه را با خودم می‌برم و تمام. اما کسی که مغازه‌دار است، اگر خرج و دخلش با هم نخوادد بعد از مدتی مجبور است که دست به اقداماتی بزند مثلاً تعطیل کند و …

می‌خورد و به جای دیگر رجوع می‌کند، یعنی فقیرترشدن او، به فقیرترشدن من می‌انجامد و این موضوع مثل یک زنجیر است و کل جامعه را دربرمی‌گیرد. بنابراین من به عنوان یک بازاری، از واحد تجاری‌ام دچار ضرر می‌شوم؛ چون هم میزان فروش ما کاهش پیدا کرده است و هم به دلیل گرانی مواد اولیه، سود ما کاهش پیدا کرده است و هم به دلیل تورم بالا سایر هزینه‌هایمان بالا رفته است. او توضیح می‌داد: شما خیلی راحت می‌توانید خودتان مقایسه کنید چه اتفاقی دارد می‌افتد و مثلاً من پیش از این در ۱۰ سال پیش می‌توانستم با یک میلیون تومان، به‌خوبی زندگی کنم، اما الان با اینکه درآمد من ۳۰ برابر شده است اما رفاه ۱۰ سال پیش را ندارم و این برای همه ما کاملاً ملموس است؛ یعنی همه ما فقیرتر شده‌ایم. مرتضی از بازارهای دیگر هم خبر می‌داد و مطابق ارتباطی که با دیگر کسبه دارد وضعیت آنها را هم نامناسب اعلام می‌کرد به قول خودش در بازار بسیاری کاسه چه کم دستان گرفته‌اند.

آقای اکبری هم از مغازه‌دارهای محل زندگی‌ام است. او در توصیف وضعیت مالی جامعه می‌گفت: مثالی برای من زِمَن تا متوجه باشی که شرایط چگونه است، ویپ می‌دانی چیست؟ از همین سبک‌راه‌های الکترونیکی است که برخی از نمونه‌هایش طعم‌های مختلفی دارد. پارسال یک مدل از این ویپ‌ها با قیمت دلار آن روز، ۳۵۰ هزار تومان بود. هفته پیش خواستم تعدادی سفارش بدهم. فکسر می‌کنی حالا که دلار این قیمت شده، قیمتش نسبت به آن روز چقدر افزایش یافته و قیمت آن کالا چقدر است؟ شروع به ضرب و تقسیم کردم و با حدود ۶۰۰ تا ۸۰۰ هزار تومان قیمت را تخمین زدم. آقای اکبری گفت: ۳۰۰ هزار تومان بعد در پاسخ به چهره هاز و واژم گفتم: می‌دانی چرا به قیمت ۳۰۰ هزار تومان می‌فروشد؟ چون چک دارد، چون نیاز به نقدینگی دارد و نقدینگی که بازار نیست، بنابراین حاضر است کالایش را با قیمت خیلی کمتر از قیمت بازار بفروشد اما پولی که برای پرکردن جای چک نیاز دارد را فراهم کند تا دست‌کم اعتبارش را در بازار از دست ندهد. این یک مثال است تا بدانی وضعیت امروز بازار چگونه است.

و عاقبت در بازار چه دست‌فروش و چه مغازه‌دار، پای صحبت هرکدام که بنشینم، از کاهش درآمدها می‌گویند و نگرانی نسبت به آینده. هرکدام از این گروه‌ها نگرانی خود را از اینکه چه خواهد شد به‌وضوح اعلام می‌کنند و مثال‌های فراوانی هم‌راه با مقایسه و تحلیل می‌آورد که نشان دهد وضعیت مالی بد و بدتر می‌شود. کارگران

که وضع بدتری دارند، از اوضاع اقتصادی آینده می‌ترسند، به‌ویژه وضعیت مسکن و اطلاعات و آمار، در این زمینه وجود دارد. در حکایت ر تلخ‌تر می‌کند. اگر مسکن تا دیروز بیش از ۵۰ درصد درآمد خانواده‌های کارگری را می‌بعلبد، گزارش‌ها نشان می‌دهد با سرعت فعلی چیزی حدود ۷۰ درصد از درآمد خانوارهای کارگری به حقوق هیولای مسکن ریخته خواهد شد. هیولایی که حالا نقش بسیار مهمی در فقیرسازی جامعه ایرانی را برعهده گرفته است. هیولایی که اگر در دوازده و پانزده سال به سرعت ۲۰ واحد در سال حرکت می‌کرد، حالا سرعت خود را به حدود ۷۰ یا ۸۰ واحد رسانده است. ایرانی‌ها براساس آمار و داده‌هایی که مراکز تحقیقاتی اعلام می‌کنند، درحال فقیرترشدن هستند اما یک کسی در یک جایی باید بالاخره ترمز این هیولای گرانی را بکشد. هوانوز سرد است و سرما توی استخوان نفوذ کرده و گویا خیال گرم‌شدن ندارد. زلزله‌ای هست‌ریشتی همچنان دارد تر

را می‌پرزاند.
مرکز پژوهش‌ها سال گذشته گزارشی داده بود که در آن سقوط ارزش پول ملی کشور در این فصل گذشته نشان می‌داد. این مرکز که در واقع بازوی پژوهشی قوه قانون‌گذاری کشور است، با نگاه به آمار و مینا قراردادن سال گذشته منتشر کرد مقایسه با سنوات گذشته منتشر کرد که مو بر اندام سیخ می‌کند؛ آماري که نشان می‌دهد باید یک جای کار لنگیده باشد که پول ملی این‌طور و بدون هیچ عذر دیگری هم پذیرفته نیست. این قانون تأکید می‌کند که کارگر باید توانایی تأمین نیازهای اساسی خود را داشته باشد.

این فعال کارگری بیان کرد: اجرای قانون بسیار مهم است و هرگونه فرار از قانون باعث می‌شود ۵۰ درصد جامعه هرچه بیشتر به سمت فقر سوق یابد. فقر نه‌تنها مشکلات اجتماعی و تغذیه‌ای به وجود می‌آورد، بلکه هزینه‌های بیشتری برای جامعه خواهد داشت. دولت باید به صدای جامعه کارگری گوش دهد.

روزنه

«متناسب‌سازی» به «مجلس» رفت

اینلا، فعال صندوق بازنشستگی نیروهای مسلح گفت: جلسه‌ای در کمیته صندوق‌های بازنشستگی کمیسیون اجتماعی مجلس با صندوق‌های بازنشستگی کشوری، لشکری و تأمین اجتماعی برگزار شد. یکی از موضوعات مهم مطرح‌شده در این جلسه، بحث متناسب‌سازی حقوق بازنشستگان و نحوه اجرای این قانون بود. جندی پیش صندوق‌های بازنشستگی با کمیسیون اجتماعی مجلس دیدار کردند. امیر رهبر (فعال صندوق بازنشستگی نیروهای مسلح) درباره جزئیات این دیدار به اینلا گفت: جلسه‌ای در کمیته صندوق‌های بازنشستگی کمیسیون اجتماعی مجلس با صندوق‌های بازنشستگی کشوری، لشکری و تأمین اجتماعی، برگزار شد.

یکی از موضوعات مهم مطرح‌شده در این جلسه، بحث متناسب‌سازی حقوق بازنشستگان و نحوه اجرای این قانون بود. او ادامه داد: نمایندگان صندوق‌های بازنشستگی در جلسه، کم‌وکاستی‌ها در این خصوص و اقداماتی که تاکنون انجام شده را مطرح کردند. همچنین موضوع ماده ۸۵ قانون خدمات کشوری در رابطه با بیمه تکمیلی بازنشستگان از موضوعات

مهمی بود که در این جلسه مطرح شد. رهبر گفت: در این جلسه همچنین نحوه محاسبه اجرای متناسب‌سازی حقوق بازنشستگان نیروهای مسلح که موجب نارضایتی‌هایی در بین بازنشستگان شده بود، گزارشی ایراد شد. او افزود: در این جلسه، مواردی درخصوص اجرایشان ناقص همسان‌سازی حقوق بازنشستگان و مطالبه ۲۰ درصد اضافه حق نیروهای مسلح مطرح و قرار شد مراتب با تنظیم گزارش کار برای ستاد کل و درخواست دریافت اعتبار ۱۰ درصد سال گذشته از دولت داشته باشد. رهبر در ادامه تصریح کرد: در این جلسه مقرر شد براساس شان نظارتی مجلس و پیرو تأکیدات رئیس مجلس، درخصوص حقوق بازنشستگان، جلسه‌ای دیگر تشکیل شود تا بتوانند به جمع‌بندی برسند و گزارش کلی در این خصوص به کمیسیون اجتماعی ارائه شود. اگر طبق زمان‌بندی پیش برود نهایتاً در هفته سوم بهمن‌ماه این گزارش به عنوان یک گزارش کلی درخصوص وضعیت جامعه بازنشستگی در صحن علنی مجلس قرائت خواهد شد.

هشدار به واحدهای صنعتی در تهران

اینلا: سخنگوی سازمان مدیریت بحران کشور در تشریح اصلی‌ترین بحران‌هایی که شهر تهران با آنها مواجه است، اظهار کرد: اولویت اصلی ما زلزله، سیل و آتش‌سوزی‌هایی است که در بخش‌های صنعتی درحال افزایش است. «حسین ظفری»، سخنگوی سازمان مدیریت بحران کشور، در گفت‌وگو با اینلا اظهار کرد: وضعیت بارش‌ها در سال‌های گذشته و اینکه طی سال‌های قبل یک دوره خشک‌سالی داشتیم و از طرف دیگر برداشت بیش‌از‌حد مجاز از بخش‌هایی از کشور، باعث شده‌اند که پدیده فرونشست نیز به اولویت‌های اصلی کشور اضافه شود. این پدیده نه همین الان که چندسالی است که به اولویت‌ها اضافه شده است. ظفری ادامه داد: با این نگاه، هم سازمان نقشه‌برداری کشور به استخراج نرخ فرونشست اهتمام دارد و هم مرکز تحقیقات ساختمان و مسکن درحال تحقیقت فرونشست در کشور است که این موارد در آن مشخص هستند. حتما با ارائه این نقشه برای مردم مشخص می‌کنیم که کدام بخش‌های کشور بیشتر و کدام کمتر درگیر فرونشست است. او افزود: می‌توان گفت برای فرونشست تقریباً چند کار با هم درحال انجام هستند. وزارت نیرو کارگروهی را تشکیل داده که اقداماتی را در راستای مقابله منطقی و هوشمندانه با برداشت‌های بی‌رویه انجام می‌دهد. مرکز تحقیقات ساختمان و مسکن نیز در تدارک تهیه دستورالعمل‌هایی است. ظفری در توضیح این دستورالعمل‌ها بیان کرد: پدیده زلزله را در نظر بگیرید. ما با آن زندگی می‌کنیم، اما دستورالعمل‌هایی در حین‌کار وجود دارد و ساختمان متناسب با این‌نامه‌های مشخصی ساخته می‌شود. با همین نگاه و ناظر به پدیده فرونشست، دستورالعمل‌هایی در حال تدوین است که ما با نگاهی دقیق‌تر و درست‌تر به سازها، استحکامات و حریم‌ها بپردازیم.